



جلسه ۵۲

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه پنجشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۱۰ - ۲۳ جمادی الاخری ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ تومان داخله
 خارج ۱۲۰ تومان

نك شماره: بکفران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۳ آبان ماه ۱۳۱۰ # (۲۳) نهمی الاخری (۱۳۵۱)

آهوست و مذاکرات

(۱) تصویب صورت مجلس
(۲) تصویب چند فقره سرشماری

(۲) فور اول لایحه اصلاح قانون ساج اول
(۱) بودج و دستور جلسه دو - پنجم جلسه

مجلس يك ساعت قبل از ظهر برپاست آقای وادکر تشکیل کردید

صورت مجلس روز یکشنبه هم آبان ماه را آقای وادکر اجدهی (پنجمی) قرائت نمودند ##

(۱ - تصویب صورت مجلس)

بیشترانند آگاهی دادیم که این مرخصی ها مربوط بگذشته است که جمع شده و یک باره قرائت می شود؛ لکن بقیه آن مرخصی ها است و مجبوراً مربوط بگذشته است و نسبت با کثرت کمونی ناچاریم بپردازیم (صحیح است) خبر کمیسیون واجبه بر مرخصی آقای عراقی؛ نماینده محترم آقای عراقی بواسطه کسالت خانانمی ۵۵ روز مرخصی از تاریخ اول شهریور ۱۳۱۰ با تخصیص یک عشر از مقرری ایندهت بصرف مرخصان

رئیس - آقای دبیر
دبیر - قبل از دستور
رئیس - آقای دکتر باک زاده
دکتر باک زاده - قبل از دستور
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؛ (گفته شد - خیر)
صورت مجلس تصویب شد.
(۲ - تصویب چند فقره مرخصی)
رئیس - در موقعی که مرخصی های جلسه قبل را

عین مذاکرات مشروح پنجاه و سومین جلسه از دوره هفتم تقابلیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۱۰)
دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

غالبین جلسه گذشته که در صورت مجلس خوانده شد: غالبین با اجازه - آقایان: ملک بردنی - محمود نلس - حاج میرزا - حیثان طلسی - میرزا سید محمدحسین طلسی - آفتابانی - عبد جباری - ابروی - عدل - وکتر سنگ - فرح الله خان آویز - اخطار داد - دیر سهرابی - محمدحسین خان دنیا - عبد قی خان ابروی - ملک آراکی - سید کاظم پرویدی
غالبین بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - وکتر شامری - ابوظفا - وکتر - دهری - ذواتی - مهندس سنگ - طایفه پرویدی - آقا رضا موددی - امیر - حاج ملا محمد علی ملک
دیر آمدگان با اجازه - آقایان: وکتر امین - امام - لیلواری - وات - محمود نلس
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: طایفه امینی - شریعت داد - عبد ناصر خان افشاری

حضرت عبداللطیف (ع) نبوده اند. کبیرون باقائضی ایشان موافق و اینکه خبر آن را قدیم میدارند.

ولیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده غنائی را با مرغی آقای عراقی بخارم ولی در خصوص وجودی که همیشه در موقع تروپ دروغها برای ساختن برینخانه حضرت عبداللطیف (ع) تخریب داده میشود میخواستم سؤال کنم که چه وسیله استعمال بکنم که این وجوه تا بجای قد قدر جمع شود است و بچه وسیله و بچه نظارتی این پولها صرف برینخانه حضرت عبداللطیف (ع) میشود البته اقدام خوبی است که از طرف بیایند عظم دوره گذشته آقای فیروز آبادی شد خیلی اسباب تخریب و تفرکات و بدهم کینما و مصادیقی که آقایان نمایندگان محترم در اینخصوص کردند بهم قابل تقدیر است ولی بنده میخواستم بیشتر معلوم شوم که این وجوه بچه وسیله و توسط چه اشخاص صرف ساختن اینبرینخانه می شود که این مساعدیت و کینکی که از طرف آقایان نمایندگان می شده است بواقع بوده و بدجای خوشی خرج شده باشد

ولیس - آذرا آگاهی

حضرت عبداللطیف (ع) اختصاصی پیدا میکند غالباً بظنارت شیر و خوشبید سرخ در آنجا صرف می شود بند بطوریکه خود آقا مستخبرند آقای فیروز آبادی که جاشر اینکار هستند بلنا میل و رغبت زیادی باینجا این امر غیر بخصوصی عاریت و حسن میباشند وجه آرا موافقت داریت حقوق خدمت سابقه خودشان را هم با اینکار تخریب دادند و گمان برود که در خوب صرف شدن آن نگرانی نباشد (صحیح است) آقایان که با مرغی آقای عراقی موافقت داریت تمام فرمائید.

(اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد. خبر دیگر که بیرون عراقی در مرغی آقای محترم سبک فرات می شود

خبر مرغی آقای محترم سبک

نمایند محترم آقای محترم سبک برای رسیدگی باور محلی قاضی دوام مرغی از تاریخ چهاردهم مهرماه

۱۳۱۱ نبوده و بنا عشر از مقرری ایندست را هم تخریب و برینخانه حضرت عبداللطیف (ع) داده اند. کبیرون باقائضی ایشان موافق و اینکه خبر آن را قدیم میدارند

ولیس - آقایان موافقین تمام فرمائید

(اعجاب برخاستند)

ولیس - تصویب شد. خبر دیگر که بیرون راجع مرغی آقای زده می فرات می شود

خبر مرغی آقای زده می

نمایند محترم آقای زده می برای رسیدگی باور محلی قاضی هفت روز مرغی از تاریخ یازدهم مهر ماه ۱۳۱۱ نبوده اند و کبیرون با اختصاصی یک عشر از مقرری ایندست بمرغی برینخانه حضرت عبداللطیف (ع) باقائضی ایشان موافق اینک خبر آن را قدیم میدارند

ولیس - موافقین با مرغی آقای زده می

(اعجاب قیام کردند)

ولیس - تصویب شد. خبر دیگر که بیرون راجع مرغی آقای قضا لاسلامی فرات می شود

خبر مرغی آقای قضا لاسلامی

آقای پروا ابوالحسن خان قضا لاسلامی نماینده محترم از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۱۱ قاضی بکدام مرغی با تخریب یک عشر از مقرری ایندست جهت برینخانه حضرت عبداللطیف (ع) نبوده اند کبیرون با قاضی ایشان موافقت و رابرت آذرا تقدیم مجلس شورای ملی میدارند.

ولیس - موافقین با مرغی آقای قضا لاسلامی

تمام فرمائید.

(اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد. خبر دیگر که بیرون عراقی راجع با مرغی آقای دکتر طاهری فرات می شود

خبر مرغی آقای دکتر طاهری

نمایند محترم آقای دکتر طاهری برای رسیدگی باور محلی از تاریخ بیستم مهرماه ۱۳۱۱ قاضی بکدام مرغی نبوده اند. کبیرون باقائضی ایشان موافق و اینکه خبر آن را قدیم میدارند.

ولیس - موافقین با مرغی آقای طاهری تمام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۳۱ - شهر اول لایحه اصلاح قانون سبج احوال

ولیس - خبر دیگر که بیرون راجع باصلاح وادی از قانون سبج احوال در ضمن ماده واحد، فرات میدارند.

خبر کبیرون

لایحه نسرا ۱۳۱۱ دولت راجع باصلاح قانون سبج احوال باوجود آقای وزیر خارجه و آقای بهرامی ولیس اداره سبج احوال مطرح و باصلاحاتیا تصویب و اینک خبر آرا بشرح ذیل تقدیم میدارند:

ماده واحد - مواد ۷ و ۸ و ۹ قانون سبج احوال تصویب ۲۰ اردیبه ماه ۱۳۰۷ نسخ و بجای آنها مواد ذیل تصویب می شود.

ماده ۷ - پس از اختتام بکسال از تاریخ اجراء مقررات راجع بسبج احوال در هر حوزه کسائیکه ورقه با کسائیکه صورت نداشته باشند با تکالیفی را که بر طبق مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بهم آنها فرار گرفته انجام ندهند علاوه بر اینکه بهوجب حکم محکوم و محکوم انجام تکالیف مزبور می شوند بجزس نماندنی قابل ابطال نیز از هشت روز بدو ماه از قرار روزی از پنج تا پنجاه قران محکوم خواهند گردید و دوسوولی که خود آنها نادم روز بد از ابطال حکم قطعی تکالیف خود را راجع بستاند سبجی و بابت واقعه انجام ندهند مأمورین نادم در شهرها و مأمورین امین در قسبات و قراه آنها را برای انجام تکالیف مزبور مأمورین سبج احوال جعل حاضر خواهند نمود.

استثنای که قبل از اجراء این قانون تکلیف مزبور را انجام نداده و هنوز لغت به آنها حکم قطعی نیز صادر نشده باشد در صورتیکه نادم از تاریخ اجراء این قانون تکالیفی قانونی خود عمل کند تا تحلیب آنها صرف نظر می شود و الا معمول مقررات این ماده در سبج احوال

ماده ۸ - هرگاه اختلافی راجع بستاند سبج احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محکمه ابتدای و در صورت نبودن آن در زیر یک ترمین محکمه صلح جعل می آید و تا وقتی که از طرف محکمه مزبور استناد مذکور بهوجب

حکمی ابطال نشود آن استاد باختر خود پای خواهد بود و فقط محاکم مزبور می تواند تصحیح کنی استاد امر صادر کنند در اینصورت نامرد سبج احوال رای محکمه که در دفتر مخصوصی ضبط و در حساب دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رای مزبور دول چند صادر می نمایند.

در وره جدید باید این نکته قید شود که بهوجب حکم محکمه و برای اصلاح دوله سابق صادر شده است حکمی که بهوجب این ماده صادر می شود غیر این استیفاء و نیز بوده و فقط در باره متداعین و قائم مقام قانونی آنها مشتمل است.

تبره ۱ - حکمی که در باب اصلاح ورقه سبج احوال صادر میگردد از جهت مقررات راجع بتمامه و نیز نخواهد بود و هرگاه اوراق سبج احوال از جهت مقررات مزبور مورد اعتراض اداره تمام و نظایه با اداره سبج احوال گردد بر طبقی که بهوجب ماده ۹ مقرر است رفتار خواهد شد.

تبره ۲ - اشتباهاتی را که ممکن است در تنظیم اوراق سبج احوال از طرف اداره مربوطه بعمل آمده باشد می توان با موافقت اداره سبج احوال و صاحب ورقه تصحیح نمود لیکن در مقابل اشخاص ناک متبر نخواهد بود.

تبره ۳ - اگر در دهالی که برای تصحیح اوراق سبج احوال در محکمه اقامه می شود اداره سبج احوال مستقیماً سمت مدعی باندعی علیه را نداشته باشد محکمه مکلف است همان طریقی که برای موارد اصلاح مقرر است دوسیه را با اداره سبج احوال فرستد بخل اصلاح شده و عقیده کنی آن اداره را قبل از صدور حکم تحصیل کند و حکم محکمه پس از ملاحظه عقیده اداره مزبور صادر خواهد شد.

ماده ۹ - نسبت باوراق صورت کاز طرف اداره کل نظام و نظایه با اداره کل احصایه و سبج احوال در هر حوزه اسم از مرکز و ولایات از جهت مقررات مربوطه بتمامه و نظایه مورد اعتراض واقع می شود بوسیله پیشی مرکب از حاکم یا نماینده او و نماینده اداره ذماترین و نماینده احصایه سبج احوال و یک نفر بزرگ طبیب

با انتخاب اداره نظام وظیفه و یکسکنر معتمد
مجلسی سکه با صوب مأموریت مزبور دعوت
می شود رسیدگی و راپرت آن با صوب مربوطه بطهران
ارسال میگردد و بهیچ مرکب از نمایندگان ارشد
اداره نظام وظیفه و اداره احصایه و یکسکنر طبیب منتخب
اداره نظام وظیفه و یکسکنر طبیب منتخب سنجه کل ممکنی
و مدعی العموم و بانیان ذمه او مراجعه و مورد دقت
واقع گردیده نتیجه با کسرت آراء مین و ابلاغ و مدلول
آن در روی ورقه هویت و مدرست ملاحظات دفتر
مربوطه قید می شود لکن این عمل فقط از قلمه نظر
مقررات واجبه منظور و تالیف مؤثر خواهد بود.
ادارای که تا اول مهرماه ۱۳۱۰ در محاکم عدلیه و
کسیبوزهای تجدید نظر بر طبق مقررات قانون سابق
لیست به آنها رسیدگی بعمل آمده و تکلیف قضی آن
مبین شده مشمول مقررات فوق نخواهد بود.

رگیس - آگای دنیا

طیباختاریه دپیا - بنده اساساً با این لایحه موافق
هستم ولی خواستم تذکر بدم که این لایحه محققاً
مربوط به کیسیون عدلیه است چون یک موادی دارد
که مربوط به محاکات است و مجازات و قصاصات و اینها
و این را بنده عقیده دارم که باید به کیسیون عدلیه
مراجعه شود و بعد هم به کیسیون داخله مراجعه شود
با تنظیم لایحه باین ترتیب (ر لوابیح دیگری که از مدعی
یا بنظراف باین ترتیب تنظیم میشود) بنده مخالف هستم
نوشته میشود ماده واحده و بعد در تحت این ماده واحده
چندین ماده دیگر میشود که صورتیکه بر حسب
نظامنامه آقوت دیگر شود کلی ندارد و ممکن است که
شود کلی در صوب هر لایحه خیل مفید باشد هم در
شور اول هم در شور ثانی با این ترتیب و با این طرز
لوابیح که از مدعی یا بنظراف معمول شده است بنده
مخالفم خصوصاً با این قسم که در اینجا نوشته شده است
ماده واحده مواد ۷ - ۸ - ۹ - قانون سبیل احوال
عموب فلان نسخ و بجای آنها مواد ذیل صوب این
مواد باید نسخ بشود در شور ثانی اول ما بین مواد را

رای معبهم بید که این مواد را صوب میسکنر
ممکن است که بعضی مواد دیگرش صوب شود این است
که باید در آخر ماده نوشته شود که در ارتش بالاخره
بطوریکه عرض کردم بنده عقیده ام این است که اصولاً
این لایحه باید به کیسیون عدلیه برود .

ولیر داخله (آگای منصور) - اولا و اراجع باینکه

این لایحه باید به کیسیون عدلیه برود عرض کنم که
این لایحه از نقطه نظر جنبه قضائی تنظیم شده است
لایحه عدلیه نیست ولی البته در تنظیمش نظر وزارت
عدلیه جلب شده است علاوه بر این در شورای است
همه آقایان میتوانند نظری که در این دارد بفرمایند
و به کیسیون هم میرود و شور هم میشود و اما اینکه فرمود
ماده واحده چرا اینچنین تنظیم شده است آهم در واقع
همین است بالاخره منظور چیست ؟ منظور مشورت است
که ممکن است آقایان درش مذاکره و شور بکنند و نظر
هایی که دارند بفرمایند و از نقطه نظر عمل صورتیکه
این سهل تر است مطرح کردن تا چند ماده بنا بر این
اشکالاتی که آقا در نظر گرفته بودند تصور میکنم که
سهولت رفع میشود با این توضیحی که بنده عرض کردم
رگیس - آگای جیشیدی

جیشیدی - عرض کنم چون این جا صلاحیت هم

از لایحه خارج بقانون سبیل احوال از صلاحیت محاکم
عمومی خارج شده است خواستم آگای وزیر داخله توضیح
بدهند علت اینکه اغلب از دعوی را از صلاحیت خارج
عمومی خارج کرده اند چیست تا ما مستحضر باشیم دیگر
اینکه در ماده ۹ این قانون این جا اگر اداره سبیل احوال
با اداره نظام وظیفه با هم تریب سبب بورقه هویت دانست
باشد تکلیفی هم همین کرده که در بادی عرض کرد
ولی بالمسک اگر یک شخص که دارای ورقه هویت است
آر او ایراد بنا اعتراضی نسبت با اداره سبیل احوال از
حیث مقررات نظام وظیفه داشته باشد تکلیفی برای او
مبین نگردد که مرجع صلاحیت دار او کجا است زیرا
که در تجربه ماده ۵ است تجربه ۶ است با ۷ این جا
نوشته است حکمی که از محاکم عمومی راجع بقانون سبیل

احوال صادر میشود از حیث مقررات نظام وظیفه مؤثر
نخواهد بود محاکم عمومی از حق دخالت ندادند از این
سراگز خود اداره سبیل احوال با نظام وظیفه ایراد و
ایزاتی داشته باشند این جا تکلیفش را مین کرده اند
بسیار خوب ولی بالمسک اگر صاحب ورقه خودش اعتراضی
داشته باشد بدو کجا باید ارجاع کند ؟ این قسمت را
هم خوب است آگای وزیر داخله توضیح بدهند

قزبر داخله - البته این لایحه که تقدیم شده است اصلاح

بناظر به قدمهاست ولی سایر مواد قانون بجای خودش
بقی است در قانونیکه آقایان در جریان است و در سه ماده
یک تغییر میکنند حق اشخاص که اعتراض داشته بودرقه
پیش بنده است (تجیب می - در کجا) مراجع بفرمایند
باید این آلمان در نظر نیست ولی دارد که در عرض دو
باید اگر اشخاص اعتراض داشته باشند شکایتی داشته باشند
لمطالع کنند اما راجع باینکه یک قسمت از تحت صلاحیت
محاکم خارج شده است البته استحضار دارید که در مورد
ادارای هویت که هر چه قانون گذاری میشود و در قدر
توضیح میشود بیشتر تماس این ادارای هویت با کارهای
عمومی محسوس میشود . انواع و اقسام مواردی دارد ما
شیخ بروردی را استثناء نکرده ایم عکمه جز این مورد
بخصوص که بیشترش مراجع به تشخیص سن است و آن
کلی عکمه نیست علاوه بر این هم محاکم کار زیاد دارند
آن را فقط خواستیم بشکل یک هیئت اداری درش دقت
شود و در سایر موارد هم کلیه عکمه رسیدگی میکند و
حکم عکمه هم البته جاری است فقط این مورد بخصوص
را از نظر عمل و تمسول جدا کردیم آن را هم ملاحظه
بکنید که کیسیون هم در مرحله اول و کمال دقت هم
درش میشود و در مرحله ثانی هم که کیسیون مرکزی است
مدعی العموم یا نماینده مدعی العموم هم حاضر میشوند
بنا بر این از مرتب ملاحظه دقت و صحت عمل شده است .

رگیس - آگای طهرانی

طهرانی - عرض کنم که البته قانون سبیل احوال
ورقه هویت و اسامی تمام افراد مملکت در دفتر ثبت

بشود و برای دولت هم آسان بشود خیلی خوب است
هیچکس هم منکر عسنت او نیست و این را باید آگاهی
وزیر داخله صدیق بکنند که با اینسکه مملکت متدین
مملکت ما تقریباً اکثریتش بی سواد و بر املاج است
و از عسنت قانون سبیل احوال که چه حسن ها دارد
اطلاعی ندارند پس با این ترتیب تنظیم مواد بنده مخالف
هستم اینجا در یک تصریح بنده است که اشخاصی که مطابق
ماده ۲ و ۳ و ۴ با تکلیف خودشان عمل نکرده اند
اینها را اسبق هویت میکنند و میرود و آنها را مجبور میکنند
که به تکلیف خودشان عمل کنند اینجا خوب بود
در این لایحه هم آن مواد قانون سبیل احوال
را قید میکردید که آن تکلیف چیست چون این قانونها
باید اعلان بکنند و بمعوم طبقات در دعوات و قراءه و
قبضات اعلان بکنند که آقا این تکلیف شما است و باید
برورد انجام دهید و اگر انجام ندادید این تکلیف را باید
برای شما مجازاتی در قانون مقرر شده است و اینکه تکلیف
کرده اند اینجا که مأمورین آمین آنها را مجبور میکنند
و میرود و ورقه هویت بگردان این را هم بنده تصور میکنم
که خیلی خوب نیست بلکه سوء اثر دارد و آن منظوری
که وزارت داخله دولت دارد آن منظور سوء نتیجه
میدهد حسن نتیجه نمیدهد سهل است بلکه سوء نتیجه
میدهد این را ممکن است در دعوات و قبضات بوسیله
کدخدا ها و درش سفید ها و خود ملاکین چون مردم
چاهاند این وظیفه را به آنها محول کنند و اهل فرادر
قبضات را جمع آوری کنند و آنها هم ورقه هویت
بگرفته اند و آنها هم سکه باین تکلیف عمل نکرده اند
بروند ورقه هویت که این که امتیه گردان کسی را
بگیرد که ورقه هویت به آنها بدهد اگر امتیه برود پشت
کردش بزند این تصور میکنم کار خوبی نیست اگر قانون
این طور اصلاح بشود که در یک تجربه این قید بشود
که به کدخدا و اهل عمل و ملاکین این کار را رجوع
کنند بهتر است بنده از یکی از آقایان باینندگان شنیدم
که خودشان تقاضا کرده بودند که یک مأمور سبیل احوال

برای آنجا تعیین کنند که ایشان با خوشدان در عمل برود
 و بخوابان آن جا رجوع کنند که رعایا را جمع کنند
 و بیایند ورقه بگیرند و راحت بشوند و برودند و اداره
 سجل احوال گویا از ایشان قبول نکرده با ملززه زده و
 گفته است نه. غرض این است که باید طوری کرد که
 کربیان مردم دست مأمورین دولت نینتند مردم مأمورین
 دولت دست بگیرین نشوند و یک طوری شود که این ورقه
 هوشی که مردم میگیرند با یک راحتی و با یک وضع
 خوشی که محاسن آنرا هم بفهمند اخذ ورقه هویت بکنند
 این یکی دیگر اینکه در ماده ۹ بنده تصور میکنم که
 این یک فاعله است که بالاخره باید حل و تصفیه بشود و
 تمام شود یک شخصی رفته است ورقه هویت گرفته است
 حالا از سرور اداره نظام وظیفه با اداره سجل احوال
 اعتراض بکند که آقا پس نو آن روزی که ما اعلان کردیم
 ستنش یازده سال بود یا این که خیر ستنش یازده سال است
 کربیان او را بگیرند و یک جا جر و جندی او را ببندازند
 که ستن را کم کرده یزید کرده مشغولی مردم را بزرجت
 دیواره از سرور دوسیه تفصیلی دادن مردم را بزرجت
 انداختن مأمورین دولت را بزرجت انداختن این را
 هم بنده تصور میکنم صورت خوبی نداشته باشد یعنی از زمانیدگان
 صریح است این بنده تصور میکنم کنار او تا همین جا اساساً
 باید خانه داد شما آآن مردم را مجبور میکنید یعنی
 مجبور هستند که بروند و ورقه هویت بگیرند و آنها هم
 می آیند و میگیرند در قراء و قسبات و شهرها حتی در
 طهران هم میشود اینکار را کرد که برایش سدید هالیزوگر
 های عمل اطلاع بدهند که به اهل عمل بگویند که کاسی
 که ورقه هویت نگرفته اند آنها را بگویند که بیایند ورقه
 هویت بگیرند در طهران هم کسان نمیکند اشخاص زیادی
 باشند که ورقه نگرفته اند فقط شاید یک مدت هرزه و
 ولگرد با اینکه اشخاصی که خیلی جاهل بقانون هستند
 ممکن است که همان پیر مردها و بزرگها با همان کبیر
 ها هستند که خیلی خوش اخلاق هستند و باوضاع عمل
 خوب آشنا هستند آن اشخاص را بخوانند و صحبت

غلب کرده اند ولی حالا از تو ما یک بساطی درست
 کنیم این اسباب زحمت و کسفتش میشود و این را
 بنده تصور میکنم که امولاخوب باشد (صبح است)
 و این را بنده تصور میکنم که این طور اصلاح بشود
 خوب غروب است.
وزیر داخله (آقای منصور) - تصور میکنم این
 جا با بیانیهای که آقا فرمودند لازم است که یک فدری
 مطلب توضیح شود البته این را عرض میکنم همه آقایان
 و امیدوارم که تصدیق فرمایند که نظر در اصلاحاتی
 که برای قوانین پیشنهاد میشود البته حسن اجرای قوانین
 است و احتراز کردن از پاره مشکلات که در ضمن عمل
 پیش می آید و در ضمن عمل بر خورد میشود و احساس
 میشود که لازم است قنون اصلاح شود اولاً هیچ دلیل
 ندارد که قانون تغییر داده شود این که این چند ماده قنون
 سجل احوال را ما تقاضای اصلاح را مکرریم برای
 همین است که ملاحظه فرمایید. قانون سجل احوال از
 قوانین جدید است چند سال است بیجریان افتاده البته
 از وقت که شروع شد درست شاید چون سابقه نداشت
 پیش بینی نمی شد تمام این قانون با زندگانی عوام مردم
 و همبستر قوانین دیگری که بعد وضع شد این او را خود
 حالا قانونی که با ملازمه با قانون سجل احوال جریان
 پیدا کند وجود نداشت این است که حالا ما بر بخوریم
 باینکه با مأمور ارثی ناس پیدا میکنند ورقه هویت همچنین
 با مأمور سرزادگیری که البته صریحاً اظهار میکنم که فوق العاده
 اهمیت دارد و مسئله حیاتی مملکت است و ما باید وقت
 کنیم که خوب و کامل اجرا بشود و البته سرزاد قنون
 داریم باید زیاد وقت بشود سابقاً این قوانین وجود نداشت
 حالا ما در جریان عمل بر میخوریم و باید قانون سجل
 احوال را که بیش از اینها بوده است تطبیق بکنیم بطوری
 که با این قوانین در یک اجرای معنی سیر بکنند حالا
 ملاحظه فرمایید نظر این است. نظر این نیست که یک
 کسی که فرس فرمایند مشمول فلان ماده از این قانون
 نیست حکماً برویم و بیاوریم البته این منظور را نداریم

ولی حالا که این قوانین در جریان است و با امور حقوقی و امور اداری مردم تماس دارد این طور نبیند و نکند است که یک روزی آمدند ورقه دادند حالا چه کار دارید خوب یا بر میخورید این که بعضی اوراق قابل اصلاح است باید راهی برای اصلاح این داشته باشیم و این را نکتدارم باید عرض کنم که بواسطه پیش آمدن این معایب درجرح متوجه شده اند و معایب حالا خیلی کم است و این برای گذشته ها است که ما در ضمن عمل بر میخوریم و پیش میرویم و میخواهیم اصلاح بگیریم و البته همینطور که فرمودید مردم بعضیها نمیدانند و بایستی حالا حالشان کرده بنده عرض میکنم که چندین سال است که این اعلانات شده است و در قانون سابق هم مجازات مین شده است ولی درست بواسطه بی اطلاعی بر نگورده اند که باید به این تکلیف قانونی عمل کرد و نمرش البته مستلزم مجازات است و این را هم عرض میکنم سکه از طرف دولت فوق العاده ارفاق شده است این که مقرر میماند میروند میکنند و می آوردند این طور بوده است حالا ما میخواهیم بآنها تذکر بدیم و البته یکقدری مجازات را هم شدید کردیم مجازات سابق مجازات خلافی بود حالا چنانچه است با یک قدری زیادتر از لازم هم هست زیادتر باشد آقا بابعلیاخره مردم باین تکلیف عمل کنند و باید مردم بیایند ورقه هویت بگیرند و ورقه هویت لازم است. آقا امروز در قانونی که ملاحظه می فرمایید در قسمت اجرایش اول چیزی که لازم است ورقه هویت است که نمیدانند و مشخص مردم است ما میتوانیم بگذاریم چند سال هم باز بگذرد که مردم خودشان بیایند و بگیرند باید بداند که یک دادگستری اعمال دقت در این باب لازم است بشود و البته باید مجازات هم شدید تر باشد و مسلط است و وقتی که قانونی وضع شد آن قانون از مجاری اداری خودش اعلان و طبع می شود همین طوری که فرمودید در هر مدی یا لاخره مأمور سبیل احوال بیرون آن جا که اینک بیرونند و مردم را بیرونند. اینک نوشته شده است مردم را می آورند و جلب می شود

این راجع به تنظیم است و متخلف راه نمی شود جلب نکرد البته اگر در شهر باشد که تقنینیه و اگر در خارج است که اینته می رود جلب می کند آنها تکلیف قانونیشان است باینکه بیایند جلب کنند بنا بر این اینکه فرمودید جلب می کنند این مال متخلفین است مال آنهاست که محکوم شده اند در محکمه و مستوجب جلب هستند و این مجازاتها باید در حق آنها اعمال شود ولی باینکه وقتی که می خواهند ورقه هویت بدهند ترتیب این است که مأمور سبیل احوال می رود به ده و یکد خنار مباشر که مسئول امور آنهاست اطلاع میدهد که مره باید بیایند و ورقه بگیرند یا هر کس که ورقه نکرده است یا آنهاست که سواد ندارند یا آنهاست که نمی شود این قسمت ها کاملاً رعایت می شود مدار عمل این است که عرض کردم و البته در موقع ابلاغ این قانونم مخصوصاً دقت می کنیم. این است که ملاحظه می فرمایید تمام نظر حل و تصفی و تسهیل امر است برای اینکه تکلیف هود معلوم شود و این اشکالات هم رفع بشود و البته دولت هم باید قوانینش را بخوبی و سهولت اجرا بکند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

شریعت زاده - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمایید

شریعت زاده - اگر اجازه بفرمایند آقایان که نظریات گفته شود بهتر است. خود بنده هم یک نظرانی دارم اگر اجازه می فرمایند آقایان عرض کنم (عده از نمایندگان - بفرماید آقا. بفرماید) چون در بحث یک قانونی اگر نظریات بیشتری اظهار شود البته بهتر است ما می ندادیم خود وزیر هم حاضر است برای استماع مطالب.

رئیس - مذاکره بشود؟

جمعی از نمایندگان - بلی مذاکره بشود.

شریعت زاده - توبه بنده است؟

رئیس - توبه آقا نیست (خطاب با آقای شریعت زاده) آقای مؤید احمدی بفرمایید.

مؤید احمدی - بنده از این نظر که آقای وزیر باینکه فرمودند باید احوالی منکک هم دارای ورقه هویت بشوند با لایحه موافقم و عطفام این است که باینکه باینکه یک روزی همه بایدند دارای ورقه هویت بشوند و البته طرز و شکل عمل راهم البته خود ایشان در نظراتشان خواسته نوشت که در دعوات و جاهاتی که مردم اطلاع کامل ندارند مثلاً چادر بزند تا یک ترتیب آسانی مردم اطلاع پیدا کنند و مردم باینه ورقه بگیرند. لکن مخالفت بنده از یک نظر عملی است و آن راجع به حکم عدلیه است باینکه این قانون در نمره دو یا در یکی از نمره هایش حکم عدلیه را بدون اثر می گذارد و در ماده نهم هم یک محکمه خصوصی قائل شده است بنده عرض میکنم که قانون اساسی منکک قوه ای ملکی را سه قوه تقسیم کرده است: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه یک کارهایی که از وظایف قوه قضائیه است ما نمی توانیم آنها را برداریم و بدهیم یک اداره یا بگوئیم حکم عدلیه در این مورد مؤثر نیست این از این جهت مخالف است با اصول. آرتوت محکم راهم که تشکیل دادیم خیلی دیدنی است باینکه این جا دارد در حکم مدعی می شود وقتی که اعتراض کرد یک ورقه که خودش صادر کرد یا اداره پیش صادر کرده اعتراض میکند که این ورقه صحیحاً صادر نشده می رود به چه محکمه؟ محکمه که تشکیل می شوند از (کارروایی - همان مدعی) حاکم یا نماینده او و نماینده اداره نظام وظیفه و نماینده اصحابه و سبیل احوال و یک طرفی با انتخاب اداره نظام وظیفه و یک نفر (شده نمایندگان) ضد مدعی با تصویب مأمورین مزبور پس می شود قاضی مدعی یا مدعی می شود قاضی و این برخلاف اصول است باز اگر بود سه نفر از متصدین مدعی که مردم انتخاب می کردند باینکه مخالف آن اصل کلی بود که باید بیرون بدیده این یک چیزی بود پس آقا دیگر قانونی لازم نیست بشود بنده روی این ترتیب که ماده اول نوشته اند بهتر است که اعتراض دارند و وقتش را همالطوری که می خواهند درست کنند قضایای لازم بدارند. قضایای که این محکمه بکند تفاوت خود مدعی

است و اینطور باین محکمه اداری تشکیل دادن این مخالف اصل کلی و اساسی است. باین محکمه قانونی عدلیه با گذردن حکم محکمه عدلیه را نوشته که این ندارد از جهت اصولی بنده این لایحه مخالفم (عده از نمایندگان - صبیح ست. اجابت)

مخبر کمیسیون اطلاع (عبدالرزاق) - فرمایش آقای نماینده محترم در موضوع این یک مجول می شود. محاکمات باین محکمه و بعد در مورد نظام وظیفه مؤثر نیست البته تصور فرمودند که وقتی محاکمه بین دولت و نماینده حاصل می شود (نماینده) - بگذرد این حکم نسبت بخود آنها مؤثر است نمی این حکم نسبت نمایندگان و اصحاب دعوی اثر قانونی دارد ولی نسبت باین اثر قانونی ندارد (یکی از نمایندگان - یعنی چه؟) این جا هم همینطور نوشته شده است: دو نفر متقاضی هر دو نفر و محکمه و دعوی وادارن حکم شان هم از متقاضیان مساعد می شود این حکم محکمه در مورد نمایندگان مؤثر است در مورد غیر نمایندگان که مؤثر نیست (مهمه) - صدای زنگ.

مخبر - اصحاب دعوی که

کارروایی - آخر یعنی چه؟ (صدای زنگ رئیس)

مخبر - اجازه بدهید عرضم را بکنم اینجا می بینید حکم را که داد مؤثر است ولی در امور نظام وظیفه اثر ندارد (صدای زنگ - رئیس - خطاب با آقای محمد خان وکیل) آقا بیرون نروید برای مذاکره هم اکثریت کافی نباشد (در تبصره است می بینید؛ حکمی که در باب اصلاح ورقه سبیل احوال صادر میگردد ذلالت بحث مقررات راجع به نظام وظیفه مؤثر نخواهد بود. پس ملاحظه بفرمایید اشکالی ندارد. مثلاً این دو نفر راجع بوراات گفتگو میشود و تراغ میشود می رود بجهت. در ضمن عاقله نسبت بسن او بحث میشود و تعبیری میکند یا کتر میشود یا علاوه میشود بیست و یکسال میشود بیست و سه سال میشود این نسبت بوراات خودش است ولی در مورد نظام وظیفه که نه از طرف اداره نظام وظیفه باو اعتراض شده است

نه اینک مربوط بانگزار است که اثر ندارد بآن قانون دیگری دارد و مشمول مواد دیگری است که راجع بنظام وظیفه عمومی است ولی این مربوط بوزارت است و حکم محکم در این مورد مؤثر است و در مورد نظام وظیفه باید مؤثر باشد (خدا نمایندگان - احسان) و از نیت آن قانون مشمول نظام وظیفه باید بشود ولی این حکم راجع بارش است (کلزوی - یقین) این آدم خارج از این مملکت است؟ غیر داخل این مملکت است ولی این راجع بارش است که تراخ داشته است و آمده است بمحکم و اینک راجع بماده نهم فرمودید که مدعی و حاکم هر دو خودی است ممکن است که این حکم و این رأی البته پلاژ بشود اینجا مسئله حکومت بیرون است آقا مسئله کمیسیون است یک کمیسیونی در محل تشکیل میشود برای گرفتن نظام وظیفه این کمیسیون البته از معتمدین محل است از اعیان است از مأمورین نظام وظیفه است اینها بانخاصی که مشمول هستند راباوراقتن رسیدگی میکنند اگر آن وره مورد اختلاف واقع شد آن هیئت را گفتند دیگر صالح نباشد برای رسیدگی این بارفاق مردم است بیاید بمرکز و البته اشخاصی از آنها صاحب رسیدگی کنند آن قسمت را و حل کنند

کلزوی - مرکز نمیتواند بشهد آقا راجع بسین. او (صدای زنگ رئیس)

رئیس - آقای کلزوی این طرز محاور نیست

رئیس - آقای ونوق

آقا سید مرضی ونوق - بنده عرض ندارم

رئیس - آقای اعتبار

سید احمد خان اعتبار - البته همانطور که آقای وزیر داخله فرمودند این لایحه شور او را است و پس از اینکه نظریات نمایندگان محترم هم بدست آمد در کمیسیون میشود درست کرد بیک ترقیبی که هم بمشاور دولت زد باید باشد و هم زحمت مردم کم باشد. این جا همانطوریکه آقای مؤید احمدی فرمودند یک اصولی را هم باید از نظر

هر يك جا باشد نه اینک در يك جا یا اثر باشد و در يك جا باشد علاوه بر يك قسمت دیگری هم که بنده نگاه می کردم در ماده ۹ دیدم که نوشته است اوراقی که تا اول مهرماه ۱۳۱۰ در حاکم عدلیه و کمیسیونهای تجدید نظر طبق مقررات قانون سابق نسبت بآنها رسیدگی بعمل آمده و تکلیف قضایی آن مین شده مشمول مقررات فوق نخواهد بود معنی این این است که تا اول مهرماه هر حاکمی از محکم نسبت باورای سجل احوال شده صحیح است ولی هر چه از آن برون است و تا بعد از صحیح شده غلط است اگر اینطور است که اینهم بدست البته این قانون در آن تاریخی که داده شده شاید تصور میرفت تا اول مهرماه تمام میشود و این قانون بعمل اجرا میرسد این است که این تاریخ را مین کرده اند ولی حالا ما خبریای در نیمه آبان واقع شده ایم و اینرا در بنده وقت از ۱۰ روز قبل اگر حکم يك حکمی صادر شده و تمام مراحل خودش را طی کرده باشد باز آن حکم را ماضی کنیم بموجب يك قانون دیگری و بگوئیم که آن حکم اثر ندارد اینهم بنظر بنده خوب نیست (صحیح است) و لازم است اینطور اصلاح شود که اوراقی که تا بحال صادر شده است و مراحل قانونش را طی کرده است تا تاریخ صوبت این قانون از حاکم صادره شده است آنها را باید پذیرفت و قبول کرد و محترم شمرد و بعد از این را باید صلاحیت را ممکن است اصلا از نشان گرفت که محاکم دیگر قبول نکنند ولی وقتیکه قبول کنند دیگر حکم شان را منزلت کرد و نسبت باحکام محکم مرد شدند و يك قسمت را قبول کردند و يك قسمت را قبول نکردن خوب نیست و این (صحیح است) و لازم است در این خصوص يك دقت بیشتری بورد.

وزیر داخله - يك قدری بطور کلی صحبت شد راجع بهحاکم و بنده میخواهم عرض کنم یعنی نمیشود که بیشتر توجه بفرمایید باین موارد بخصوص و مراجعه

باین لایحه تا خوب واضح شود باین چه من الوجوه نظر باین نسبت که بگوئیم احکامیکه محکم میدهد يك قسمتش را اجرا کند و بیکمشتراک بکند و بقیه را بنظر بنده که بگوئیم احکام اجرا نشود بلکه همانطوریکه توضیح داده شده است در مجمره احکام قضایی که از حاکم جاری شده است باید اجرا شود و مشمول این مواد نیست معنی در آن موقعی که لایحه پیشنهاد شده است متناسب این بوده است که تا اول مهر ماه بتدریج حالا يك قدری گذشته است این را بد درست میکنند. اما راجع باین کمیسیون که فرمودید و این را هم عرض میکنم که اساساً نظری انگیز شده است که این نوع کار یعنی به بطور کلی گفتگوی اوراق هیئت در تمام نقاط بشود برای اینکه همینطور که عرض کردم راجع باورای هیئت در جریان امور عمومی موارد خیلی زیاد پیدا میکند که مردم همینکه مراجعه میکنند و هیچ چیز هم مانع آنها نیست فقط در يك مورد خاصی که بیشتر مراجعه اداری دارد آن را ما خواستیم با این قانونی که آقایان صوبت می فرمایند آن را از عمکه خارج کنیم و این موضوع راجع بمقررات و شرایط نظام وظیفه است که خلاصه است تشخیص من است و آنچه از این بید بکمیسیون خاص مراجعه میشود و وقتی که قانونی شد چه اشکالی دارد که تمام مقررات حقوقی و جزائی البته بموجب يك قوانینی ارجاع میشود بیک مراجع و بموجب همان قانون مکن است که يك مواردی هم ارجاع بشود چنانکه يك مراجع علیحده هم از حیث اداری و مالی و اینها هست که رسیدگی میکنند بکار ما آنچه بموجب قانون است پس در بنده وقت که چرا این هم به عدلیه رفت برای این که این سلب میکند استقلال امور قضائی را غیر هر چه بموجب قانون بشود آن صحیح است این البته بسته برای مجلس است وقتی که رأی دادند قانون شد اجرای آنها قانونی است قانون مین میکند و معلوم میکند. راجع بکمیسیون هم آن هیئتی که مأمور است که باین موارد رسیدگی کنند این را نباید تصور بشود که تمام قضائیه که مطرح میشود

بر طبقه اشخاص اشخاص غیر غالباً اشخاص می افتد که بر له آنها کم محبت فرمودی هم داریم که قوانین گذشته و ادارات منزهت دولتی تصدیق میکنند که این باید اصلاح قیود و بنف غایت دارنده روفه هوبت است ولی موقع گفتند مخرج ندادند و این کذبون که تشکیل میشود اصلاح کنند و البته نظر دولت هم این نیست که یک اوراقی را بیبجهت بیاورد آنها بحث رسیدگی قرار دهد و اینطور هم نباید تصور کرد که تمام اوراقی را که تا بحال داده شده می آید تحت نظر آن کذبون غیر اوراقی که در ضمن عمل مبتلا به است و در عمل می بخورد پیش و قابل نظر باشد آنها را می آورد آهم ممکن است که بر له دارند آن ورقه هوبت باشد یا برعلیش خصوصاً با این وقتی که شده است یک کذبون نیست در دوره اول است در کذبون مرکزی هم معنی القوم خواهد بود البته همه جنبه های درونی رعایت شده است وقت کامل بدمل آمده امیدوارم که آقایان مطمئن باشند و خاطشان کاملاً اطمینان داشته باشد که نظر نظر نرسوبه یک مشکلاتی است و بالاخره اینطور هم تغییر نشود که بر علیه همه دارندگان روفه هوبت است بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

و پس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بالاخره با اعتراضات خنده ناپسندیدگان مذاکرات این است که اینطور می بینم که در یکسختی از مذاکرات ممکن است مواظف حاصل شود ولی یک چیزهایی هم هست که اساساً مورد بحث واقع نشده و تذکرش هم نهایت ضرورت را دارد اگر آقایان اجازه بدهند بنده خیلی مختصر عرض کنم (نمایندگان - فرماید آن) عرض می شود هر چیزی از قلم نظر اصول ممکن است در یک ملکیتی تأسیس یک محکمه اختصاصی را ایجاد کند عیبی هم ندارد و اگر یک محکمه اختصاصی تشکیل شود منافی با قانون اساسی هم نیست برای اینکه در قانون اساسی تصریح شده است که بدون تفویض تعیین هیچ محکمه را نمی شود ایجاد و تشکیل نباید برای این معلوم می شود که اگر مجلس لازم براند

که در یک کاری دولت مرحله خاصی که بیرون بیاورد تشکیل شود تجویز خواهد کرد و قانونی هم هست ولی این قسم را باید فکر کرد که مجلس یک مبلغی را که میخواهد خوب کند در واقع لازم است باینجه و در چه موافق باید خوب کند نظر بنده از قلم نظر حقوقی از جمله مواردی که هیچوقت نباید تصدیق کرد این است که یک مبلغ از کار دو قسمت شود و از اولی اصل اصول تعارض است بین مصیبات دو محکمه در یک موضوعی که ماهیتش یکی است (صحیح است) مثلاً دولت مین کرده است که دعوی بین افراد و دولت و یک محکمه خاصی رجوع شود این یک مبلغ برسان است یعنی مصیبت محاکم عدلیه در آن دخالت نمیکند و تعارضی حاصل شود و از این جهت باید اعتراضی کرد برای اینکه مصلحت نیست و اما در موضوع سجل احوال علاوه بر اینکه ممکن است مؤسسات قضائی خصوصی در یک محکمه دیگری اختلاف باشد در آن حکمی که محاکم صادر میکنند یک نتایج دیگری هم دارد. مثلاً فرض فرمایید اگر یک کسی بچشم یک محکمه قضائی ثابت شد که در ۱۲۹۰ متولد شده است بعد همان قدر ثابت شود که در ۱۲۸۰ متولد شده است از قلم نظر حقوق و اختلاف از حقوق که هست موضوع اجرای قوانین است وقتی که در ۱۲۹۰ متولد شده است ناشئ ازده سال بعد از آن تکلف قانونی نیست ولی وقتی که در ۱۲۸۰ متولد شد در ضمن همین عمل ده سال زودتر تکلف شناخته می شود (صحیح است) و باین ترتیب ممکن است که اجازه داد در یک مورد است این مورد تناقض پیش بیاید و بنده می خواهم یک مبلغ مهمتر دیگری را اینجا عرض کنم و آن این است که یکی از برجسته ترین یادگارهای این دوره نظام وظیفه است کلیه مؤسسات مملکت از قضائی و کنسولی باید تعیین بکنند نسبت باین قانون برای اینکه این قانون منشأ اقتدار و سیاست مملکت است (صحیح است) بنده متفق هستم که هر مؤسسه از قضائی و کنسولی و بالاخره هر شخصی و مقامی برای اعتراض خصوصی بود

تعیین بکنند یک قانونی را میخواهد قانونی باشد میخواهد هر کسی باشد برخلاف قانون رای بدهد و دلس و اغراض اشخاصی را مؤثر بداند آن مقصودترین اشخاصی است. (صحیح است) اگر نظر این است که در مؤسسات قضائی وظیفه لازم است این مقصود ملی تأمین نمی شود! برای بنده خیلی مشکل است که این عمل را بپاردم و بر فرض هم یک یا دوی پندارم که یک کجای قضائی یک مؤسسه بیاورند آنها به فقط از منفعت نظر قوانین اشخاصی باید محاکمه شوند بلکه خان و سایر مقامات ملی هستند (صحیح است) بنا بر این بنده میگویم برای اینکه ثابت شود اراده های مادی مؤثر که این بر صلاحیت است و بقید تعظیم نامی می شود همین است که در یک حدودی وظایف خودشان را بپوشی انجام میدهند و عملاً ثابت میکنند که داریان امنیت قضائی تمام معنی جاری است. و اگر یک دولتی دایم فکر خرید بکند و باید دایم جا در این مسئله زود بکند من از آن فکر دفاع بچشم برای اینکه دولت ایران نمیتواند چند سال است که زحمت کشیده است و ثابت کند و ثابت است که مؤسسات مؤثری که نام منافع قضائی را باین کند وجود دارد در ملک. مطلب دیگری در اینجا عرض می کنم برای بنده عرض کنم جمله ایست که لغز یکی از همکاران محترم که آقای طهرانی بود فرمودند این سالی که جریان دارد برای این است که اولیای اشخاصی یک رسائی مثلاً دشواری دارند و یک نامورینی این مسئولیت با نامورین است و نباید گذاشت بر آن جریانها اعتراضی شود و جنگ و دعویالی بشود بنده باین طرز فکر مخالف بنده متفق هستم که مرجع این کار چرا باشد اداره نظام وظیفه که در امور ارتداد ملت راجع بدسته نظام وظیفه و سرباز دیگری است ذی نفع است و در محرم و قراردادی می تواند اعتراض کنند ولی اشکال در این است که کجا اعتراض کنند و کجا می تواند اعتراض کنند و همچنین هر روزه هوشی که در نتیجه اعمال نسیب برای اینکه تحصیل معالین در مقابل این وظیفه هم و مملکت شده باشد

وزیر داخله - همانقدری که آقای شریعت زاده فرمودند فرمودند براجع قضائی بنده هم همان اندازه و بیشتر نظیر بچشم و دولت هم عیباً همین نظر را و نظر را دارد چنانکه آقایان ملاحظه فرمایند که همیشه قانون پشت قانون بینشاند میشود و همه آنها برای تکمیل مؤسسات قضائی و پیشرفت امور قضائی و توسعه و تنظیم محاکم است و البته در نتیجه مرجعیت قضائی روز به روز کامل میشود اما همان دولت معتقد است که بکنون از کارهای که زیاد جنبه قضائی ندارد کلیه جنبه اداری آنها قبضه دارد دیگر آنرا باین محکم محاکم تحصیل کنند که باین ترتیب کارها از کار بماند چنانکه این را البته باید اعتراف کنیم که هنوز مؤسسات قضائی هم عیباً هم تکمیل نشده آن در ملک بقدر کفایت نیست و سعی میکنیم که روز بروز البته با تمام وسایل ممکن توسعه بدهیم که مقتضای با احتیاجات باشد ولی یکدیگر وقت لازم است البته قوانین هم که وضع میشود بر طبق مقتضیات وقت است چنانچه آقایان همیشه توجه فرمایند و قبول وقت است فرمایند برای اصلاح قوانین و ملاحظه فرمایند اینها برای این است که مقتضیات ایجاد میکند و حلال هم ممکن است همانطور که آقای شریعت زاده فرمودند همانطور بشود و باز اصلاح شود ولی امروز که بنده عرض میکنم و این لایحه را که دولت آورده است همان دولتی است که این عدلیه را تشکیل داده است و اینطور تقویت میکند

بیک مورد خاصی است و آن هم جنبه اداری درش بیشتر
غلبه دارد تا جنبه قضائی.

بعضی از نمایندگان - کافی است

ولیس - پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده است قرائت میشود

مقام ریاست معظم مجلس دامت عظمة

بصره ذیل را بماده ۷ اضافه میکنم:

بصره - مأمورین سجل احوال مکلف خواهند بود
مدنی که کمتر از دو روز باشد در هر قریه و قصبه ترقیب
کرده و اهالی را بدربارهای و رفته هویت دعوت نموده و
ضمناً بوساالی ممکنه مجازات متخلفین را بمردوم اهالی خاطر
نشان نماید.

ولیس - رأی میگیریم برای ورود در شورائی آقایان

که موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. پیشنهاد شده است است چله

ختم شود

(۴ - موعود دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

(در این موقع چند نفر از نمایندگان خارج میشوند)

ولیس - جلسه آینده (اگر آقایان تأمل نکنند) مناسب است

روز پنجشنبه ۲۷ آبان ماه سه ساعت قبل از ظهر باشد

دستور هم تالیف موجوده

(مجلس لیه ساعت بعد از ظهر ختم شد)

ولیس مجلس شورای ملی - دلاغر

از محاکم قضائی بنا بر این بهیچوجه من الوجوه با استقلال
قضائی و بهرجهت قضائی بر نمیخورد و بلکه اسباب
سهیل کار محاکم است که مابک قسمی از کارها را که
زیاد جنبه قضائی ندارد و آن را میتوانیم با مسئولیت
دولت و بابک وجهه اداری حل کنیم آنها را بک قدری
از محاکم جدا کنیم و این قسمت همین یک موردی است
که ما پیشنهاد کرده ایم ملاحظه میفرمایید غالباً اوقات
محاکم چقدر مستغرق است که اوقات را باید دیر معین
کنند البته چاره ندارد باید بنویسند و اگر بخوانند
همه کارها را فوریت بدهند البته این منطقی نیست که
همه کارها یکدفعه برسند برای اینکه کارها زیاد است
آزوق کارهایی که در این قسمت ملحوظ است بتعمیق می
افتد و این بیشتر اسباب بلا تکلیفی مردم است و با این
مختصر توضیحی که بنده عرض کردم امیدوارم موافقت
بفرمایند و اطمینان داشته باشند که کاملاً با استقلال قضائی
و مرجعیت کامل محاکم قضائی ما موافق هستیم و دولت
است که البته تقویت میکند این تأسیسات را و با این حال
چون امروز حس میکنم که بک احتیاجی هست که امروز
این رشته کار این جور حل و فصل شود و از نقله نظر
سهیل و تسریع خواسته ایم کار محاکم کم بشود و این
هم راجع بنام موارد مربوطه باوراق هویت نیست راجع